

## رسالت انبیاء مبارزه با استکبار و استضعاف است

پیشوایان مکتب توحید، در برابر نظام طبقاتی استکبار و  
استضعاف آسمی ناپذیرند

مراسم میان دو سیستم اجتماعی و اقتصادی  
که یکی استکبار و استضعاف را سرچاپانویسجامی-  
پذیرد، آنگاه، از باب ترجمه و بازتاب جلو گیری از  
انفجار باز راه باز گذاشتن یک دریچهٔ اطمینان، سعی  
میکند نه تا اندازه‌ای آن را کنترل و تعدیل نماید و  
دیگری، از اساس اصلت و ابقی استکبار و استضعاف  
مردود نبوده‌ها را مبارزه با آن بطور بکر و جدی فرا  
میخواند.

سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی دنیای شرقی  
و غربی تا حدودی و خصوصاً ایستاد استکبار و استضعاف  
و اصلاح پذیر نماند و اگر گاه گاهی، در راه حمایت  
مستضعفین، گامی بر می‌دارند، تنها از راه مصالحت  
اندیش است. آنها به این قانون فیزیکی آنگاه  
شمارهٔ کوچک بخار، یک دریچهٔ اطمینان نه‌اند  
باشد و بوسیلهٔ باز گذاشتن آن از تراکم بیش از حد  
بخارات، جلوگیری نشود، خواه ناخواه، آن درشت  
و فحش شود و خسارت‌های بسیار سنگینی بر سر  
می‌آورد.

چمانی که آنها از مستضعفین میکنند بانی-  
اعتدالی که گاهی نسبت به مستکبرین از خود نشان  
میدهند، در حقیقت برای این است که یک دریچهٔ  
اطمینان به روی عین‌های زیر استهزا بیاند، تا  
سحر به انقلاب و انفجار نشود، زیرا آنها به خوبی  
میدانند که اگر انفجار و انقلاب رخ دهد، سارند

خسارتی، بسیار سنگین متحمل شوند.  
در این اواخر، که نظام طاغوتی شاه و کارتر،  
احساس کرده بود که جامعهٔ محروم و مستضعف  
ایرانی در آستانهٔ انفجار انقلاب است فکر کشودن  
یک دریچهٔ اطمینان افتاد. نظام استکبار و طاغوتی  
شاه و کارتر میخواست با دادن یک سلسلهٔ آزادی‌های  
مصوری و فریبنده و ایجاد یک فضای باز سیاسی و  
گول‌زننده، جلوانقلاب و انفجار را بگیرد. اما  
دست‌اندرکاران این سیاست، دیربیدار شده بودند  
زیرا همه دیدیم که باز شدن دریچه‌ی اطمینان هم  
نتوانست مانع انفجار و انقلاب شود.

اما آنچه برای همه، جانب توجه بود، این بود که  
سران کشورهای سوسیالیستی و هم‌سران کشورهای  
سرمایه‌داری، تا آخرین لحظه و بلکه هنوز! -  
از شاهلی که امواج کوئیده انقلاب، گنج و حیران  
کرده بود حمایت کردند. و میکنند. همه اکنون،  
حملةٔ شوروی به افغانستان، تجاوز آشکاری است  
به حقوق مردمی که بی‌باخته‌اند تا همهٔ مظاهر طغیان  
و استکبار را محو کند. خود او نور محمد تره‌کی  
باشد یا «حفظ الله امین» یا «بمرك كارمل»  
(و بهوشی: بمرك كامل!)

در سیستم اجتماعی و اقتصادی اسلام، اصل بر  
این است که استکبار و استضعاف نباید در جامعه طبقاتی  
مثل ساختمان چند طبقه، همانند که تمام سنگینی و  
لطفاً ورق بزنید

مشار آن روی طبقه زیرین است و اگر احساس شد که طبقه زیرین تحمل سنگینی و فشار طبقه با شده، عای بالا را داد، طبقه‌های بالا را خراب می‌کند و بار آن را از دوش طبقه پایین بردارند تا بتوانند روی پای خود بایستند.

پیشوایان آسمانی و رهبران مکتب‌های توحیدی، معجزاتی می‌دانند که هنوز هم راه آزمان بردن و به‌زیر آوردن طبقه مستکبر که تمام بار و فشارشان بر دوش طبقه مستضعف بود، کوشیدند.

آنها معجزات در فکر این بوده‌اند که با تعدیل طبقه مستکبر و تقویت تپه انضادی مستضعف و کاری کنند که نظام طبقاتی ناپیچان و از میزان تاریخینها تعدی‌گشته شود و زمینه انقلاب و انفجار از رود. آنها همه انقلابی بوده‌اند مبارزان بی‌گناهی که دستگیر و شکنجه تا پذیرش توح و پاره‌ها و موسی من و محمد (ص) حسیه دروازه تفسیر سیستم بود، به‌زور راه تعدیل سیستم.

با این سخن جاودانی قرآن که همه مستضعفین جهان جان و نام و می‌بخشد و مستکبران را عواری و بدین سخن می‌ریخت، توجه کنید:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان و المیزان لکموز الناس بالعدل و انزلنا الحدید فیه یأس شدید و منافع للناس و لعلهم ینذروا و رسله بالغیب ان ینذروا (سوره فرقان: ۲۴-۲۶)

ما بهایند انسان را با ادلائل روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم. برای اینکه هر یک را به‌حق و عدل کند و آن فرستادیم لغرض آن نیروی قریش شنید استوهه برای مردممان داد، همانند خداوند، بسیار قوی و مقتدر است.

هدف پیام‌آوران مکتب‌های توحیدی تشکیل جامعه‌ای فایده‌طلب و عدل‌است. تعمیمه اجراء و طقه تعمیمه استکبار و استضعاف، انجیامه پذیرش

### نظام استکبار و استضعاف را به هر نام و به هر نشانی که باشد واژگون سازید

روزه

سکر مبارزه حق طلبانه و جهاد در راه نجات مستضعفان جهان، به‌زیر آوردن.

**ولی هیهات!** او با همان استقامت و مسانت و بی‌زهدی، فرمود: از شما هیچ نسخه‌ای نطلباز شما یک انتظار دارم و آن اینکه به‌یکسانی خداوند بزرگ احترام کنید آنها که فکر کرده بودند پیامبر اسلام می‌خواهد سازشکاری بشه کند بسیار خوشحال و امیدوار شدند ولی با شنیدن این جمله، سخت مأیوس شدند و گفتند: حاضر نیستیم، ۳۶ خدا را

به‌خطر همدای یگانه، رها کنیم (۲) به‌خاطر آنها حاضر بودند که گاه در برابر خدای معبد (ص) سجده کنند، به‌شرطی که پیام‌برم گاهی در برابر تنهای ایشان به‌خاک کشیند، ولی او به اشاره وحی خدای مستضعفان می‌گوید:

**یا ایها الکافرون لا تعبدوا ما تعبدون**  
(سوره کافرون: ۲۰)  
ای کافران من معبود (پوشانی) شما را نخواهم پرستید.

اینجا همه نشانگر این حقیقت است که جامعه توحیدی اسلام ضد طبقاتی و ضد استکبار و استضعاف و استعمار و استعمار و استبداد و... است. پیامبران خدا و امامان شیعه در این راه گام برداشته و قولا و عملا هدف الهی خود را دنبال کرده‌اند. انقلاب اسلامی ما نیز به‌دلیل اینکه اسلامی است، ضد طبقه‌وردا استکبار و استضعاف و... است.

در اینجا از یک سو فلسفه بعثت و قیام حضرت موسی (ع) روشن میشود و از سوی دیگر به‌بیرون پیامبرگرمی اسلام هشدار میدهد که راه شعاره موسی و نهضت شما نتواند نیست همه پیامبران الهی است و شما هر کس ایمان به رسالت آسمانی پیامبران دارد، باید علیه طاقت‌ها و منسدها و ابروعن‌های زمان قیام و مبارزه کنید و نظام استکبار و استضعاف را به‌ر نام و به‌ر نشانی بشد واژگون سازید.

بعین جهت است که شخص پیامبر اسلام هرگز هیچ مستکبری سازش نمی‌کند و به‌هیچوجه رنجبه و سبقت‌آینی بشری از خود نشان نمی‌دهد. انجیامه مستکبران قریش نزد ابوطالب می‌روند و تهنیت می‌دهند که اگر برادرزاده‌اش دست از رسالت و مبارزه خود بردارد آن‌را نیز برادرزاده خواهد شد و نتایج وحیی به‌بار خواهد آمد، ابوطالب نزد پیامبر می‌رود و سخنان آنها را باز گو می‌کند

**یا مویز یحیی** ببعده: بعدا اگر خورشید راد: دست راستم بگذاردت و ما را مرد دست چپم بکشد این رسالت را رها کنیم، هرگز رها نخواهم کرد، مگر آنکه خداوند پیروزی بدهد یا کشته‌شوم (۱)

تهدیدات آنها همچون توبیخ ابراهیم خان و زدن یکشکست به‌سندان بود از این رو به‌تلمیح برداشته شد و توتوک با وعده تاج و تخت و مال و مسال و سخنران زبانی و فراهم کردن همه‌نوع امکانات مادی، اوراق تسلیم و آتش و اندازند او را از

۱- سوره بقره: ۲۴۸ و ۲۴۹ جاب اسدعلیان  
۲- تاریخ طبری ج ۱ ص ۶۶ و ۶۷